

مروری بر زندگی و آثار داریوش مهرجویی

آغاز و پایانی متفاوت برای سینمای موج نوی ایران

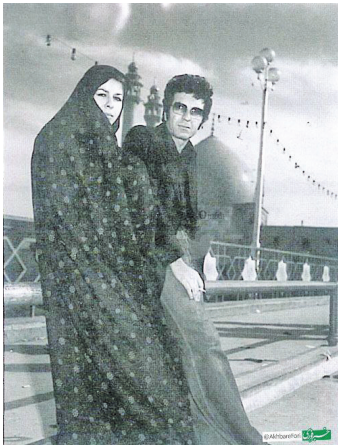
مریم اسدزاده
نویسنده

خبر مرگ داریوش مهرجویی برای هر ایرانی غیرمنتظره و غریب بود. او پیرمردی کم حاشیه در سینمای این روزها بود و مانند دیگرانی که دائم از تریبون هنرمندان برای دیده شدن و در جریان اصلی سینما قرار گرفتن استفاده نمی کرد. حتی برای مجوز اکران فیلم لامینور هم که بعداً برایش مشخص شد که عنادی در کار نبوده است، دیگر سکوت کرد. او در ماجرای

اغتشاشات زن، زندگی آزادی گفت من یک هنرمندم و نظری ندارم! با این توضیحات او در رده مخالفان جمهوری اسلامی نبود، اما باید به نظرات او در فیلم هایش توجه کرد و اینکه آیا فیلم هایش هم مانند مصاحبه هایش کاری با سیاست و جامعه نداشتند؟ مهرجویی از معدود افرادی است که هم قبل از انقلاب و هم پس از آن فیلم توقیفی داشته اند.



مهرجویی آن زمان به عنوان مخالف سرسخت رژیم پهلوی شناخته می شد و حتی درباره امام خمینی و انقلاب با تلویزیون سوئیس مصاحبه ای دارد که این روزها در فضای مجازی دست به دست می شود



این فیلم مورد استقبال لوکینو ویسکونتی، ویتوریو دسیکا و فردریکو فلینی، کارگردانان مطرح ایتالیایی نیز قرار گرفت.

مخالف سرسخت رژیم پهلوی

مهرجویی آن زمان به عنوان مخالف سرسخت رژیم پهلوی شناخته می شد و حتی درباره امام خمینی و انقلاب با تلویزیون سوئیس مصاحبه ای دارد که این روزها در فضای مجازی دست به دست می شود. با این وجود سبک جدید او در سینمای ایران باعث فیلم دایره مینای او، در همان عصر پهلوی، یعنی سال ۱۹۷۷ میلادی، اولین فیلم نماینده ایران در اسکار باشد، البته جزو ۵ کاندید نهایی نبود. اما همین انتخاب نشان دهنده تفاوت آثار او با دیگران همپایانش بود. آثار مهرجویی از گاو تا هامون و از سهگانه زنانه سارا، پری، لیلیا تا مهمان مامان هم مورد توجه منتقدین و هم مورد اقبال مخاطبان بود. مرگ تلخ او شاید شبیه مرگ پازولینی باشد اما آثار او هرگز سبک مهرجویی مختص خودش بود.



کسی که به او یاد داد چگونه با بازیگران کار کند یاد می کند و البته تأثیر استاد خوب، در کارهای او کاملاً مشهود است. او قدرت گرفتن بازیگر از هنرپیشه گانی که در سینما مطرح نبود را داشت و آنها را تبدیل به ستاره های سینمایی کرد. افرادی چون خسرو شکیبایی و گلشیفته فراهانی با فیلمهای مهرجویی به سینما معرفی شدند. مهرجویی پس از الماس ۲۳ با بازیگران تئاتر که برخی کارمند اداره هنرهای دراماتیک بودند فیلم گاو را ساخت. از عزت الله انتظامی تا عزت الله رضانی فر، از علی نصیریان تا خسرو شجاع زاده و... این فیلم که در گروه فیلمهای موج نوی سینمای ایران قرار میگیرد، با فیلم فارسیهای آن دوران بسیار فاصله داشت البته پیش از مهرجویی افرادی چون فرخ غفاری با جنوب شهر و ابراهیم گلستان با خشت و آینه و... این موج راه انداخته بودند، اما فیلم گاو فیلمی بود که برای مخاطب عام هم قابل فهم و درک بود. مهرجویی با این فیلم توانست خود را در سینمای ایران و جهان مطرح کند. به گفته اطرافیان شاه، او فیلم را دیده بود و پیامش را درک کرده بود. فیلم با اینکه در جشنواره سپاس برنده شد اما توقیف شد، سال بعد نسخهای از آن به جشنواره ونیز در سال ۱۹۷۱ قاچاق شد، نسخهای که بدون دوبله و زیرنویس اکران شد اما به بزرگترین رویداد جشنواره تبدیل شد. جوانی رابونی منتقد روزنامه اوونیر نیز گاو را کشف دوباره ایران نامید که با وجود نداشتن بروشور و زیرنویس اما می توان درباره اش نوشت: «فیلمبرداری خوب، نورپردازی آگاهانه و میزانشن های دقیق همه و همه می توانستند تم احساسی و گاه به شدت فلسفی فیلم را القا کنند.» لوموند در مقاله ای بعد از موفقیت فیلم گاو در جشنواره فیلم ونیز نوشت: «جشنواره ونیز به معرفی ایران می پردازد. صدای سینمای ایران برای نخستین بار به گوش می رسد و همراه با آن صدای کارگردان فیلم داریوش مهرجویی که سبکی تمام و کمال دارد، به طوری که آثار کورو ساوای ژاپنی و ساتیاجیت رای هندی را کم رنگ می کند.»

هنگفت در آن زمان بود، با شکستی سخت در گیشه مواجه شد، این شکست باعث شد، مهرجویی ژانر اکشن را رها کرده و به سمت علاقه واقعی خود یعنی فلسفه برود، چنانکه در دانشگاه هم ابتدا سینما خواند اما به خاطر تاکید اساتید بر جنبه های فنی فیلم، این رشته را رها کرد و در رشته فلسفه به تحصیل ادامه داد. او از اساتیدش در دانشگاه کالیفرنیا راضی نبود و آنها را در تدریس ضعیف می دانست. البته اساتیدی چون ژان رنوار هم در بین اساتیدش بودند که مهرجویی از او به عنوان

او که دانش آموخته موسیقی و سینما و فلسفه بود و دو مورد آخر را در آمریکایی گرفته بود، فیلمهایی می ساخت با استفاده از همین دانشی که داشت. در فیلم هایش ارکان ثابتی چون بیان مسائل فلسفی البته با دیدگاه خودش و توجه به مخاطب و آداب سینما و همینطور موسیقی مشهود بود. شیفته فلسفه و سینما او در ابتدای کار با فیلم الماس ۳۳ وارد سینمای ایران شد، گویی نه تنها از ینگه دنیا علم سینما و فلسفه را که حتی هنرپیشه های غربی را به ارمان آورده بود. اما این فیلم که هزینه های دو میلیون تومانی که رقمی

